

شناسایی و اولویت بندی عوامل مهاجرت افغان به خارج از کشور

مطالعه موردی: ولایت هرات

Identification and Prioritization of Factors Influencing Afghan Migration Abroad

نامزد پوهنیار ضیاالحق سادات^۱

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n24.2025

چکیده

مهاجرت پدیده‌ای است که در دهه‌های اخیر شدت یافته، در بین جمعیت افغانستان رونق فزاینده‌ای یافته است. مهاجرت به عنوان موضوع مهم اجتماعی، دارای ابعاد چندگانه بوده که حوزه‌های مختلف را به همان پیمانه متأثر ساخته است. تحلیل جامع موضوعات مربوط به مهاجرت نیاز به تلاش میان‌رشته‌ای دارد. هدف تحقیق حاضر شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور بود که با جامعه آماری باشندگان ولایت هرات و اساتید پوهنتون هرات با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه انجام شد. نمونه آماری داده‌های کیفی در ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و پس از مشخص شدن عوامل مهاجرت افغان‌ها، نمونه مورد مطالعه داده‌های کمی (میدانی) به اساس فرمول شوماخر و لومکس به تعداد ۲۴۰ نفر از باشندگان ولایت هرات به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های کیفی با استفاده از تحلیل محتوا و داده‌های کمی به اساس آزمون فریدمن در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تجزیه و تحلیل گردیدند. نتایج تحلیل داده‌های کیفی یا استخراج ۳۲ مفهوم از عوامل مهاجرت به وسیله روش تحلیل محتوا نشان داد که عوامل مهاجرت افغان‌ها شامل: عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و آموزشی بوده که حسب مطابقت عوامل مهاجرت استخراج شده با مولفه‌ها و محتوای پرسشنامه استاندارد عوامل مهاجرت روناک نوشین (۱۳۹۲) و یوسف ایرانی (۱۳۹۰) بوسیله آزمون فریدمن، عامل اقتصادی در جایگاه اول از عوامل مهاجرت، عامل اجتماعی در جایگاه دوم،

^۱. استاد دیپارتمنت مدیریت انکشاف، پوهنځی اداره و پالیسی عامه پوهنتون هرات. ۰۷۹۶۰۹۲۹۵۹، ziaholhaqss@gmail.com

عامل آموزش در جایگاه سوم، عامل فرهنگی در جایگاه چهارم، عامل جغرافیایی در جایگاه پنجم و عامل سیاسی در جایگاه ششم از عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور در سطح معناداری ۰/۰۰۰ با درجه اطمینان ۹۵٪ قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و آموزشی

مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای است که امروزه مورد توجه رشته‌های مختلف از علوم معاصر بوده و به عنوان فرصت و چالش شناخته شده است. شروع مهاجرت از دیر باز وجود داشته که با گذشت زمان با توجه به قوانین و شرایط شدت یافته است. کشور افغانستان به عنوان کشور در حال توسعه در پنج دهه اخیر به گونه‌ی جدی از این ناحیه اثر پذیرفته و شدت و وقوع این پدیده الی اکنون به حال خودش باقی است. مهاجرت که جابجایی مردم از مکانی به مکان دیگر برای مقصد کار و یا زندگی تعریف می‌شود (ارشاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۴)، در حالی است که دفتر سازمان ملل (IOM) مهاجرت را به عنوان جابجایی فرد میان مرزهای جغرافیایی کشورها بدون توجه به اینکه: ۱. وضعیت وی به لحاظ قانونی چگونه است، ۲. به صورت اختیاری بوده یا اجباری، ۳. چه دلایلی برای جابجایی وجود دارد، یا ۴. طول مدت اقامت چقدر خواهد بود تعریف می‌کند (طیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱). به طور کلی انگیزه مهاجرت در کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی مربوط به کمبود بازار کار و شغل نامناسب برای افراد ماهر و در دهه ۱۹۸۰ مربوط به درآمد بهتر کارگران ماهر بود. در نهایت از دهه ۱۹۹۰ تاکنون انگیزه اصلی به دلایل فردی برمی‌گردد. (Da Silva Freguglia et al., 2014) برخی از کشورها با آگاهی از اهمیت سرمایه انسانی در رشد و توسعه اقتصادی در تلاش برای جذب مهاجران دارای مهارت و تحصیلات بالا هستند. (Jauhiainen, 2008) مهاجرت نیروی کار حداقل سه زیان برای کشور فرستنده به همراه خواهد داشت: ۱. کاهش افراد با مهارت منجر به نبود نوآوری و کارآفرینی شده و کاهش در بهره‌وری نیروی کار را به دنبال دارد. ۲. خروج مهاجران دارای تحصیلات عالی باعث از دست رفتن بخشی از درآمد مالیاتی می‌شود و بنابراین درآمد دولت کاهش خواهد یافت. ۳. اگر هزینه‌های تعلیم و تحصیل و نیز خدمات رایگان باشد، دولت نمی‌تواند بازدهی سرمایه‌گذاری خود در این بخش را دریافت کند. (Caselli et al., 2006) مقابل می‌توان مزایای مهاجرت برای کشور مبدأ را این گونه توضیح داد که کشورهای فقیر با نرخ‌های پایین درآمد در بازده آموزش مواجه هستند و انگیزه مناسب کسب آموزش در این کشورها پایین است. اما چون بازدهی آموزش کشورهای مقصد بالاست، دورنمای مهاجرت که در آن وضعیت مطلوب مهاجران در کشورهای مقصد دیده می‌شود، بازدهی انتظاری آموزش را برای افراد باقیمانده افزایش می‌دهد. این اثر انگیزشی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را تشویق می‌کند و انباشت سرمایه انسانی در کشور مبدأ را افزایش می‌دهد و نیز وجوه ارسالی می‌تواند عامل دیگری برای اثرگذاری مهاجرت نیروی کار ماهر بر کشور مبدأ باشد (طیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲).

علت مهاجرت را می‌توان در تغییرات ژئوپلیتیکی یافت که در سطح جهان در حال وقوع است. موج عظیم حرکت پناهجویان و مهاجران به دلیل سطح بی‌سابقه جابجایی و آوارگی در سراسر دنیا رنج‌ها و آلام انسانی همراه است که ضمن ایجاد تأثیرات اجتماعی - اقتصادی و پیامدهای سیاسی پیچیده بر جوامع میزبان، می‌تواند سرمنشاء تغییرات بسیاری در زیرساخت‌های کشور مبدأ و مقصد شود. موج حرکت مهاجرین بالعموم به سوی اتحادیه اروپا مخصوصاً از سال ۲۰۱۴ همراه با تحولات

خاورمیانه آغاز شد و در سال ۲۰۱۵ به نقطه‌ی اوج و در طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به وضعیت بحرانی خود رسید (مهریار و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۲). مهاجرت در کشور افغانستان در طول دهه اخیر روبه‌رشد و رونق بوده، در حالی است که جنبه بیرون‌مرزی آن تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر پیکر جامعه وارد ساخته است. اگرچه در زمینه مهاجرت بیرون‌مرزی آمار و ارقام دقیق و قابل استناد در تحقیقات وجود ندارد، اما مشاهدات اطراف و اکناف و نیز دوری تدریجی اقوام و اقارب دلیل خوبی بر تأیید روبه‌رشد بودن این پدیده در جامعه می‌باشد. این در حالی است که کشور افغانستان یکی از چند کشور فرستنده مهاجر در جهان بوده که تحولات و شرایط مختلف بر آن سایه افکنده است. روزافزون شدن این پدیده اگرچه در جنبه‌های مختلف‌اش عادی تلقی شده است، اما واقعیت تلخ این است که کشور افغانستان با شدت این پدیده، نیروی انسانی فعال، کارآمد، متخصص و نخبه‌ی خویش را از دست می‌دهد که تحلیل بُدجوی هزینه تربیه یک کدر علمی وضاحت موضوع را بیان می‌کند. نیروهای متخصص و نخبه سرمایه‌های بسیار ارزشمندی هستند که محور توسعه ملی محسوب می‌شوند. میزان ارزش این نیروها آنقدر با اهمیت است که کشورهای صنعتی پروژه‌های جذب این نیروها را هرگز تعطیل نکرده‌اند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸). صاحب‌نظران علمی مهاجرت نیروی‌های فعال، متخصص و نخبه را به عنوان بهترین سرمایه‌های انسانی از مسایل مدیریتی کشورهای توسعه‌یافته می‌دانند و معتقدند که این کشورها در صورتی که نیاز دارند از سرمایه انسانی برگزیده‌ی خود برای انکشاف اقتصادی استفاده کنند، با جریان انتقال سرمایه انسانی به کشورهای توسعه‌یافته مواجه‌اند (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸).

پیرامون مهاجرت سه دیدگاه عمده وجود دارد: کارکردنگری، تضادباوری و نظریه سیستمی که هریک از این دیدگاه‌ها مهاجرت را مرتبط با علل، ماهیت، جهت و نتایج خاص دانسته‌اند. نظریه کارکردنگری بر این باور است که نوعی عدم امنیت باعث تصمیم به مهاجرت می‌شود. مکتب تضادباوری بر این باور است که مهاجرت ناشی از توسعه نابرابر در نظام اجتماعی است که مهم‌ترین مظهر آن توسعه ناموزون سرمایه‌داری است. و نیز نظریه سیستمی مهاجرت را در رابطه با عوامل ساختاری و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار داده، مهاجرت را به صورت فرآیندی در نظر می‌گیرد که در سطوح مختلف نظام اجتماعی اتفاق می‌افتد (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲).

عوامل مهاجرت به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی تقسیم می‌شود (نوشین، ۱۳۹۲: ۳۰). با توجه به اهمیت این پدیده شناسایی عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور امر حیاتی بوده طوریکه نثاراحمد زمانی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل مهاجرت افغان‌ها به اروپا در دو دهه‌ی اخیر پرداخته، به این نتیجه دست یافت که جاذبه‌های گردش‌گری به عنوان مهم‌ترین عامل در مهاجرت جوانان به اروپا در دو دهه اخیر بوده، همچنان عبدالوهاب اویس (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل مهاجرت جوانان شهر هرات در دو سال اخیر پرداخته، به این نتیجه دست یافت که بین مهاجرت و فقر اقتصادی، ناامنی و تمایل به داشتن زندگی مرفه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. و نیز حیات‌الله جواد (۲۰۱۶) در تحقیقی تحت عنوان دلایل مهاجرت افغان‌ها به اروپا پرداخته، به این نتیجه دست یافت که عوامل اصلی تأثیرگذار بر مهاجرت امنیت و مشکلات اقتصادی بوده؛ در حالی است که تحقیقات خارجی نزدیک به عنوان از جمله: شعبانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل پژوهشی در مهاجرت نخبگان در ایران

پرداخته به این نتیجه دست یافتند که عواملی چون؛ عدم توجه اجتماعی به ارزش فعالیت‌های علمی، نبود تسهیلات لازم برای انجام پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس وجود تبعیض و نابرابری به عنوان عوامل دانشی مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور ایران مؤثر هستند. همچنین محمد طاهرخانی (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری پرداخته، به این نتیجه دست یافت که عوامل تأثیرگذار در اشخاص و مناطق گوناگون کاملاً متفاوت است، چرا که مهاجران طیف گسترده‌ای از افراد و اقشار را تشکیل می‌دهند. و نیز مریم رضایی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان تمایل ایرانی‌ها به مهاجرت و عوامل تعیین کننده آن پرداخته به این نتیجه دست یافتند که حدود یک چهارم از نمونه‌ی آماری تحقیق شامل ۱۴۲۰۰ نفر تمایل به مهاجرت از ایران را دارند.

با توجه به آن‌چه که در مبانی نظری و پیشینه تحقیق گذشت، جای تحقیق در زمینه شناسایی، رتبه‌بندی و اولویت‌بندی عوامل مهاجرت افغان‌ها در خارج از کشور خالی بوده، لازم است تا به منظور شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در مهاجرت بیرون‌مرزی افغان‌ها پرداخته شود. بناء؛ تحقیق حاضر در پی آن است تا با مطالعه موردی ولایت هرات به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مهاجرت بیرون‌مرزی افغان‌ها به خارج از کشور پرداخته، تا از طرفی خلأ علمی در زمینه را پوشش داده و از سوی هم تأثیرگذارترین عوامل را به ترتیب شناسایی نموده، غرض چاره‌جویی و هدفمندسازی به سازمان‌های مربوطه ارائه کند. نتایج این تحقیق می‌تواند به مسئله اولویت‌دهی ساخت خط مشی‌ها و سیاست‌ها کمک نموده، اثرات این پدیده را کاهش داده و هدفمند سازد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.

اهداف فرعی تحقیق

- شناسایی و اولویت‌بندی عامل اقتصادی مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.
- شناسایی و اولویت‌بندی عامل اجتماعی مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.
- شناسایی و اولویت‌بندی عامل فرهنگی مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.
- شناسایی و اولویت‌بندی عامل سیاسی مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.
- شناسایی و اولویت‌بندی عامل جغرافیایی و اقلیمی مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.
- شناسایی و اولویت‌بندی عامل آموزشی مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.

سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق

چه عواملی باعث مهاجرت افغان‌ها از کشور به کشورهای خارجی گردیده است؟

سوالات فرعی تحقیق

- عامل اقتصادی چه جایگاهی در مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور دارد؟
- عامل فرهنگی چه جایگاهی در مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور دارد؟

- عامل اجتماعی چه جای گاهی در مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور دارد؟
- عامل سیاسی چه جای گاهی در مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور دارد؟
- عامل آموزشی چه جای گاهی در مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور دارد؟
- عامل جغرافیایی و اقلیمی چه جای گاهی در مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور دارد؟

روش انجام تحقیق

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، کیفی و کمی (آمیخته) می‌باشد. برحسب روش اجرا و نحوه اجرا از نوع پیمایشی و توصیفی - تحلیلی می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل محتوا به دلیل تحلیل محتوای پیام و متن مصاحبه و نیز از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس به دلیل تحلیل آمار کمی پرسشنامه استفاده شده است. در بخش کمی پژوهش از ابزار پرسشنامه و در بخش کیفی پژوهش از ابزار مصاحبه نیم‌ساختار یافته بهره گرفته شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق در بخش کیفی، اساتید دایمی پوهنچی اداره و پالیسی عامه و در بخش کمی تحقیق، باشندگان ولایت هرات بوده‌اند.

نمونه آماری

نمونه آماری اطلاعات کیفی به تعداد ۱۵ نفر از اساتید پوهنچی اداره و پالیسی عامه بوده که با مصاحبه هشتم به مرحله اشباع و الی اکمال نمونه آماری ادامه یافته، اطلاعات میدانی تحقیق به اساس محاسبه توسط فرمول شوماخر و لومکس به تعداد (۲۴۰) نفر تعیین گردیده که از جمله ۲۴۰ پرسشنامه‌ی توزیع شده، به تعداد ۲۳۳ پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و به تعداد ۷ پرسشنامه ریزش داشته است.

روش تعیین نمونه

در تحقیق حاضر در بخش داده‌های کیفی، از روش نمونه‌گیری هدفمند که برای دسترسی به اطلاعات خاص در حوزه مربوطه مناسب است، استفاده شده و در بخش داده‌های میدانی، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده که هدف آن ارائه فرصت برابر برای اشتراک نمونه آماری است، استفاده شده است.

روش جمع‌آوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق به دو دسته اطلاعات نظری و میدانی تقسیم شده که جمع‌آوری اطلاعات نظری به وسیله روش کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی (عوامل مهاجرت) با استفاده از ابزارهای مصاحبه نیم‌ساختار یافته در حوزه متغیرهای مورد شناسایی و پرسشنامه استاندارد عوامل مهاجرت نوشین (۱۳۹۲) و یوسف ایرانی (۱۳۹۰) استفاده شده است. قابل ذکر است که روایی و پایایی پرسشنامه یاد شده در تحقیقات مختلف به اثبات رسیده که انجام و سنجش مجدد آن در این تحقیق نیاز دانسته نشده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در بخش کیفی تحقیق، با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده، طوریکه روش تحلیل محتوا روشی است که برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن استفاده می‌شود و به وسیله آن می‌توان محتوای آشکار و پیام‌ها را به طور نظام‌مند و کمی توصیف کرد. از این رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سوال‌ها در باره محتوای یک پیام است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۲). و نیز در بخش کمی تحقیق، با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و آزمون فریدمن که از جمله آزمون‌های ناپارامتریک در آمار بوده و برای رتبه‌بندی و اولویت‌بندی گروه‌های مستقل کاربرد دارد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است.

معرفی متغیرها و مدل مفهومی

متغیرهای تحقیق

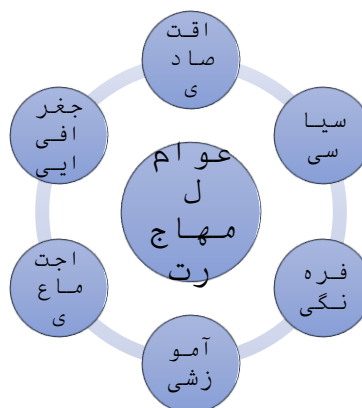
متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در تحقیق هذا عوامل مهاجرت، شامل: عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و سیاسی می‌باشد.

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته در تحقیق حاضر افغان‌ها و خارج کشور می‌باشد.

مدل مفهومی تحقیق



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق، طرح و دیزاین محقق

منبع: (نوشین، ۱۳۹۶).

نتایج تحقیق

یافته‌ها به منظور شناسایی مجموعه‌ی عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی جغرافیایی و آموزشی) مصاحبه‌های مورنیز از نظر اساتید پوهنچی اداره و پالیسی عامه استخراج شده است. مصاحبه‌ها بین (۲۰-۳۰) دقیقه به طول انجامیده که با یادداشت فوری به طور کلی حدود (۳۲) مفهوم از متون مصاحبه برای عوامل مهاجرت به تفکیک: عامل اقتصادی ۸ مورد، عامل اجتماعی ۵ مورد، عامل آموزشی ۵ مورد، عامل سیاسی ۳ مورد، عامل جغرافیایی ۴ مورد و عامل فرهنگی ۶ عامل استخراج گردید.

جدول شماره (۱). مفاهیم استخراج شده از متن مصاحبه ساختاریافته پیرامون عوامل مهاجرت افغان‌ها.

شماره	عامل	مفهوم
۱	فرهنگی	حاکم بودن فرهنگ اسلامی
۲		دسترسی به دانش دینی
۳		وجود امارت اسلامی
۴		فرهنگ نزدیک یا مشترک
۵		اساسات دینی مشترک
۶		وجود اماکن دینی و فرهنگی
۱	اقتصادی	کاریابی فراوان
۲		مزد بالاتر
۳		خدمات ارزان
۴		حمایت خانواده‌ها در کشور مبدأ
۵		پایین بودن ارزش پول در کشور مقصد
۶		تجارت فعال
۷		عدم وجود محدودیت فعالیت‌های اقتصادی
۸		یادگیری فن و حرفه
۱	جغرافیایی و اقلیمی	مُد بودن کشور مهاجرت در بین جامعه
۲		اقلیم مورد قبول
۳		دسترسی به اماکن سرسبز و دیدنی طبیعی
۴		نزدیک بودن به اقوام مهاجر شده
۱	اجتماعی	تربیت درست فرزندان
۲		آرامش روان
۳		رشد و توسعه فردی
۴		ازدواج
۵		برخورداری از ارزش به حیث انسان
۱	سیاسی	جنگ‌ها
۲		مطرح شدن به حیث نماینده گروه‌ها در خارج از کشور
۳		فراگیری دانش سیاسی
۱	آموزشی	دسترسی به مدارج علمی بالاتر
۲		تحصیل زنان خانواده
۳		تجربه کیفیت تحصیل
۴		ارزش به علم و دانش و تحصیلات و دارندگان تحصیلات عالی

همان طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می گردد، مفاهیم حاکم بودن فرهنگ اسلامی، دسترسی به دانش دینی، اسلامی بودن دولت، فرهنگ نزدیک یا مشترک و اساسات دینی مشترک به عنوان اجزای عامل فرهنگی؛ کاریابی فراوان، مزد بالاتر، خدمات ارزان، حمایت خانواده ها در کشور مبدا، پایین بودن ارزش پول در کشور مقصد به عنوان اجزای عامل اقتصادی؛ مد بودن کشور مقصد مهاجرت در بین جامعه، اقلیم مورد قبول، دسترسی به اماکن سرسبز و دیدنی طبیعی، نزدیک بودن به اقوام مهاجر شده به عنوان اجزای عامل جغرافیایی و اقلیمی؛ تربیت درست فرزندان، آرامش روان، رشد و توسعه فردی، ازدواج و برخورداری از ارزش به حیث انسان به عنوان اجزای عامل اجتماعی؛ جنگ ها، مطرح شدن به حیث نماینده گروه ها در خارج از کشور و فراگیری دانش سیاسی به عنوان عامل سیاسی؛ دسترسی به مدارج علمی بالاتر، تحصیل زنان خانواده، فراوانی منابع علمی، تجربه کیفیت تحصیل، ارزش به علم و دانش و تحصیلات و کسب شهرت جهانی با کشف استعدادها به عنوان اجزای عامل آموزشی مهاجرت افغان ها به خارج از کشور تعیین گردید؛ که در نتیجه، عوامل مهاجرت افغان ها به خارج شامل: عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و آموزشی بدست آمد.

سپس مفاهیم بدست آمده هر عامل ترکیب، که مجموعه عوامل مهاجرت در مطابقت با پرسشنامه نوشین (۱۳۹۲) بدست آمده، با توزیع در نمونه آماری ۲۴۰ نفر از باشندگان ولایت هرات و با ریزش هفت پرسشنامه، نتایج ذیل بدست آمده است.

توصیف متغیرها

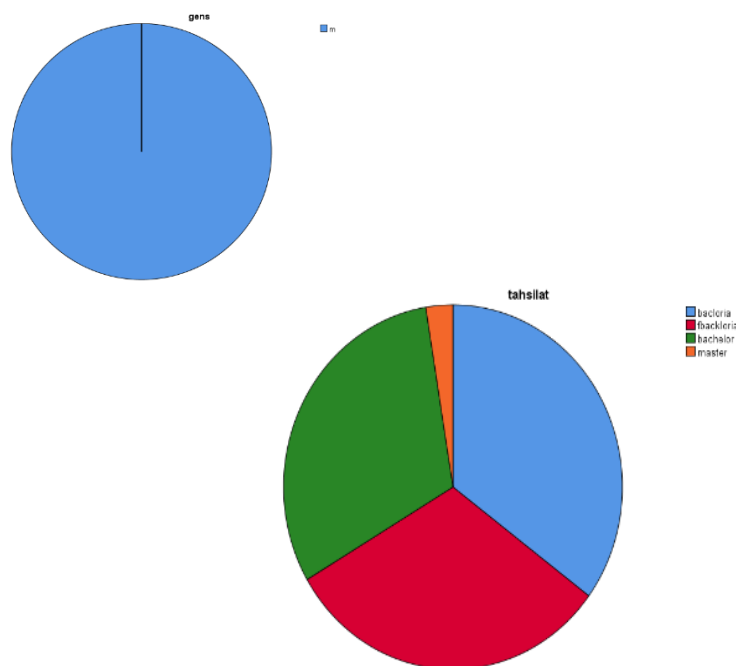
نوعیت اشتراک کنندگان تحقیق

طوری که در جدول (۲) مشاهده می شود، نمونه آماری تحقیق شامل ۲۳۳ نفر بوده که به دلیل محدودیت ها تمام نمونه آماری مردان بوده اند.

سطح تحصیلات اشتراک کنندگان تحقیق

جدول شماره ۳. سطح تحصیلات اشتراک کنندگان

		تعداد	فیصد ی
در جه های تحصی لی	بکلوریا	82	35.2
	فوق	73	31.3
	بکلوریا		
	لیسانس	72	30.9
	س		
	ماستر	6	2.6
	دوکتورا	۰	۰
مجموعه		233	100.0
ه			



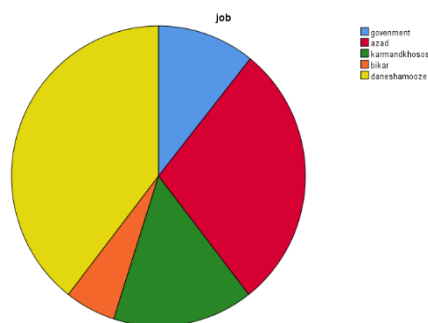
شکل ۳. سطح تحصیلات اشتراک کنندگان تحقیق
منبع: یافته های تحقیق

طوری که در جدول شماره (۳) مشاهده می شود، نتایج تحقیق حاکی از اشتراک دارندگان سندهای تحصیلی مختلف در تحقیق بوده طوری که: سهم دارندگان سند تحصیلی بکلوریا ۳۵٫۲ درصد، فوق بکلوریا به میزان ۳۱٫۳ درصد، لیسانس به میزان ۳۰٫۹ درصد، ماستر به میزان ۲٫۶ درصد و نیز دکتورا به میزان ۰ درصد بوده که بیشترین شان دارندگان سند تحصیلی بکلوریا بودند.

نوعیت وظیفه پاسخ دهندگان تحقیق

جدول شماره ۴. وظیفه اشتراک کنندگان تحقیق

وظیفه	تعداد	فیصدی
کارمند دولتی	25	10.7
شاغل آزاد	67	28.8
کارمند بخش خصوصی	36	15.5
بیکار	13	5.6
دانش آموز/محل	92	39.5
مجموعه	233	100.0



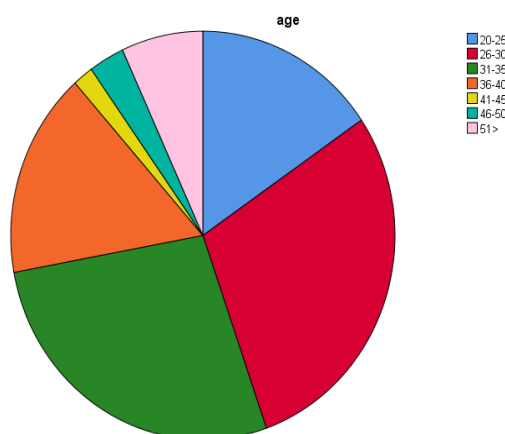
شکل ۴. وظیفه اشتراک کنندگان تحقیق
منبع: یافته های تحقیق

طوری که در جدول شماره (۴) مشاهده می گردد، نتایج تحقیق حاکی از اشتراک کتگوری های مختلف شاغلین شامل: کارمندان دولتی به میزان ۱۰٫۷ درصد، شاغلین آزاد به میزان ۲۸٫۸ درصد، کارمندان بخش خصوصی به میزان ۱۵٫۵ درصد، افراد بیکار به میزان ۵٫۶ درصد و دانش آموزان به میزان ۳۹٫۵ درصد در تحقیق می باشد که نکته قابل توجه، اشتراک قابل ملاحظه ای دانش آموزان در نمونه آماری تحقیق بوده است.

رده های سنی پاسخ دهندگان تحقیق

جدول شماره ۵. رده های سنی اشتراک کنندگان تحقیق

رده سنی	تعداد	فیصدی
20-25	36	15.5
26-30	68	29.2
31-35	64	27.5
36-40	38	16.3



41-45	4	1.7
46-50	7	3.0
51>	16	6.9
مجموعه	233	100.0

شکل ۵. رده‌های سنی اشتراک کنندگان تحقیق
مبع: یافته‌های تحقیق

طوری‌که در جدول شماره (۵) ملاحظه می‌گردد، کتگوری‌های مختلف سنی در تحقیق اشتراک نموده که به میزان ۱۵٫۵ درصد شان بین سنین ۲۰-۲۵، ۲۹٫۲ درصد شان بین سنین ۲۶-۳۰، ۲۷٫۵ درصد شان بین سنین ۳۱-۳۵، ۱۶٫۳ درصد شان بین سنین ۳۶-۴۰، ۱٫۷ درصد شان بین سنین ۴۱-۴۵، ۳ درصد شان بین سنین ۴۶-۵۰ و ۶٫۹ درصد شان بالاتر از سن ۵۱ بوده اند. نکته‌ی عطف‌توجه این است که بیشترین تعداد از اشتراک کنندگان مربوط به کتگوری ۲۶-۳۰ یعنی جمعیت جوان بوده اند.

انجام تست نارملتی داده‌ها

جدول شماره ۶. آزمون نرمالیتی کولموگروف اسمیرنوف

عامل	عامل آموزشی	عامل اقلیمی	عامل جغرافیایی و اقلیمی	عامل فرهنگی	عامل اجتماعی	عامل سیاسی	عامل اقتصادی
تعداد	233	233	233	233	233	233	233
اوسط پارامترهای نرمال	1.2039	.7963	.917	1.305	.136	1.3	549
انحراف معیاری	.17164	.20092	.188	.1856	.297	.10	978
تفاوت‌های کلی	.085	.098	.284	.227	.411	.11	6
مثبت	.052	.098	.225	.194	.411	.11	6
منفی	-.085	-.085	-	-.227	-	-	.095
آمار آزمون	.085	.098	.284	.227	.411	.11	6
معناداری دو دنباله ای	.000 ^c	.000 ^c	.000 ^c	.000 ^c	.000 ^c	.00	0 ^c

- a. توزیع نرمال است.
- b. با توجه به داده‌ها محاسبه شده است.
- c. وابستگی معنی‌داری.

جدول شماره (۶) که مربوط به آزمون نارمل بودن داده‌ها می‌شود، نشان از عدم توزیع نرمال داده‌ها داشته؛ بناءً از آزمون پارامتریک استفاده شده است.

نتایج آزمون فریدمن

جدول شماره ۷. نتایج آزمون فریدمن

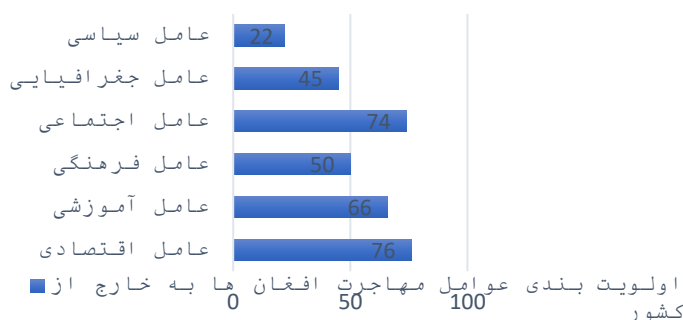
عوامل	اوسط رتبه	اوسط میانه
عامل اقتصادی	5.29	3.8619
عامل آموزشی	4.33	3.3813
عامل فرهنگی	2.88	2.5472
عامل اجتماعی	5.00	3.7500
عامل جغرافیایی و اقلیمی	2.39	2.2661
عامل سیاسی	1.11	1.2232
تعداد	۲۳۳	
معنی‌داری	۰,۰۰۰	

A. آزمون

فریدمن

اولویت بندی عوامل مهاجرت افغان ها به خارج از

کشور



شکل ۷. نتایج آزمون فریدمن

منابع: یافته‌های تحقیق.

آزمون فریدمن یک آزمون آماری ناپارامتری است که برای تحلیل داده‌های اندازه‌گیری مکرر استفاده می‌شود. این آزمون زمانی کاربرد دارد که فرضیه‌های نرمال بودن و همگنی واریانس‌ها برقرار نباشند، بنابراین به عنوان جایگزینی مناسب و مقاوم برای آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر (ANOVA) عمل می‌کند. آزمون فریدمن از جمله‌ی آزمون‌های ناپارامتریک در احصاییه بوده که برای رتبه‌بندی و اولویت‌بندی گروه‌های مستقل به کار برده شده؛ و در تحقیق حاضر برای رتبه‌بندی و اولویت‌بندی عوامل مهاجرت افغان‌ها به اساس عدم موجودیت فرض نارمل بودن داده‌های جمع‌آوری شده استقلال عوامل تحت بررسی تحقیق انجام شده که در جدول شماره (۷) نتایج این آزمون، نشان می‌دهد که عامل اقتصادی با رتبه‌ی ۵,۲۹ از ۶ در اولویت اول، عامل اجتماعی با رتبه‌ی ۵ از ۶ در اولویت دوم، عامل آموزشی با رتبه‌ی ۴,۳۳ از ۶ در اولویت سوم، عامل فرهنگی با رتبه‌ی ۲,۸۸ از ۶ در اولویت چهارم، عامل جغرافیایی با رتبه‌ی ۲,۳۹ از ۶ در اولویت پنجم و عامل سیاسی با رتبه‌ی ۱,۱۱ از ۶ در اولویت ششم مهاجرت افغان‌ها از کشور در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ با اطمینان ۹۵٪ قرار گرفته که ذریعه نمودار شماره (۷) به اساس فیصدی عوامل مهاجرت افغان‌ها نمایان گردیده قابل مشاهده است.

مناقشه تحقیق

از نقاط مشترک تحقیق حاضر با تحقیقات مطالعه شده و ذکر رفته در پیشینه‌ی تحقیق همانا موضوع مهاجرت بوده که در تحقیقات خارجی به حیث متغیر هدف مورد بررسی قرار گرفته بوده؛ و از نقاط افتراق تحقیق حاضر با تحقیقات مطالعه شده و ذکر شده در پیشینه‌ی تحقیق می‌توان به تفاوت‌ها در جامعه آماری، استفاده‌ی روش ترکیبی (آمیخته) تحقیق، نمونه‌های آماری، بازه‌ی زمانی، عدم تکرار مروری موضوع، کشف عامل‌های مهاجرت، زمینه‌سازی انجام تحقیقات در آینده، معرفی جنبه‌های تاثیرگذار مهاجرت، بومی‌سازی پرسشنامه سنجش عوامل مهاجرت نوشین (۱۳۹۲) و تلاش در زمینه بومی‌سازی فرهنگ تحقیق در جامعه بوده است. نتایج نشان داد که عوامل مهاجرت افغان‌ها شامل: عامل‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی بوده که حسب آزمون فریدمن عامل اقتصادی در رتبه اول، عامل اجتماعی در رتبه دوم، عامل آموزشی در رتبه سوم، عامل فرهنگی در رتبه چهارم، عامل جغرافیایی در رتبه پنجم و عامل سیاسی در رتبه ششم قرار گرفته است. محدودیت‌های تحقیق نبود منابع علمی داخلی معتبر در زمینه موضوع تحقیق. ضعیف بودن فرهنگ تحقیق در جامعه به صورت کلی. عدم اشتراک قشر اناث در نمونه آماری بی‌اعتنایی پاسخ دهندگان در پاسخ به پرسشنامه. کمبود منابع مالی. پیشنهاد‌های مبتنی بر نتایج تحقیق سازمان‌های پالیسی ساز در کشور، با مشخص شدن عوامل مهاجرت افغان‌ها اقدامات جدی را بر حسب موارد ذیل مرعی بدارند.

1. حسب یافته‌های تحقیق، عامل اقتصادی من حیث مهمترین عامل مهاجرت توسط نمونه‌ی آماری تعیین گردیده، لازم است تا سازمان‌های مربوطه اقدامات لازم را جهت تسهیل کارایی، افزایش حقوق و دستمزدها، یادگیری فن و حرفه‌های جدید، تسهیل تجارت و رفع محدودیت کسب و کارها مرعی نمایند.
2. حسب یافته‌های تحقیق، عامل اجتماعی من حیث دومین عامل مهم مهاجرت افغان‌ها توسط نمونه‌ی آماری تعیین گردیده، لازم است تا سازمان‌های مربوطه اقدامات لازم را جهت افزایش خدمات اجتماعی چون؛ تفریحی، بهداشتی و درمانی، آرامش و آب و برق را روی دست گیرند. ۳. حسب یافته‌های تحقیق، عامل آموزشی به حیث سومین عامل مهاجرت افغان‌ها توسط نمونه‌ی آماری تعیین گردیده، لازم است تا سازمان‌های مربوطه اقداماتی چون؛ فراهم‌آوری زمینه‌های تحصیلی باکیفیت، فراهم‌آوری زمینه‌های تحصیلی با مدارج بالاتر، روزآمد سازی نصاب در همه‌ی سویه‌های تعلیمی و تحصیلی و افزایش بودجه بخش معارف و تحصیلات عالی را فراهم سازند.
3. حسب یافته‌های تحقیق، عامل فرهنگی به حیث چهارمین عامل مهاجرت افغان‌ها توسط نمونه‌ی آماری تعیین گردیده، لازم است تا در زمینه شگوفاسازی فرهنگ و عنعنات، تقویت اذهان از فرهنگ اصیل اسلامی و بیداری همه جانبه را در جامعه برنامه‌ریزی کنند.
4. حسب یافته‌های تحقیق عامل جغرافیایی به حیث پنجمین عامل مهاجرت افغان‌ها توسط نمونه‌ی آماری تعیین گردیده، لازم است تا اقداماتی چون؛ حفظ محیط زیست، ایجاد کمربندهای سبز، تاسیس فضای دیدنی و جاذبه‌های طبیعی روی دست گیرند.

5. حسب یافته‌های تحقیق عامل سیاسی به حیث ششمین عامل مهاجرت افغان‌ها توسط نمونه‌ی آماری تعیین گردیده که قابل تامل و دقت است، ضعف عامل سیاسی می‌بایست تا به عنوان فرصت و نقطه‌ی قوت تلقی شده از مزیت‌های آن استفاده اعظمی صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

مهاجرت از جمله موضوعاتی است که از دیر باز مورد دقت و توجه کشورها به سان رشته‌های علمی مختلف بوده که حسب پیشرفت علوم و توسعه یافتن کشورها، برنامه‌ریزی‌های دقیق برای آن طرح گردیده است. مهاجرت برای کشور افغانستان از تاثیرگذارترین متغیرها در تاریخ بوده که اثرات جبران ناپذیر آن حسب تجربه‌ی محقق در حوزه علمی نسبت به سایر حوزه‌ها بیشتر بوده است. در تحقیق حاضر به شناسایی عوامل مهاجرت افغان‌ها و اولویت‌بندی آن با استفاده از روش‌های تحقیق کمی و کیفی (آمیخته) پرداخته شده، عوامل مهاجرت افغان‌ها به عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی شناسایی و اولویت‌بندی گردیده است. قرار گرفتن عامل اقتصادی در جایگاه اول عوامل مهاجرت در کشور افغانستان نشان‌دهنده‌ی این است که شرایط اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین عامل برای تصمیم‌گیری مهاجرت افغان‌ها عمل کرده است. با توجه به اولویت این عامل از عامل‌های مهاجرت می‌توان نتیجه‌گرفت که تصمیم به مهاجرت برای بسیاری از افغان‌ها به یک گزینه‌ی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. آنچه اهمیت دارد این است که بهبود شرایط اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی در داخل کشور امر ضروری بوده نیازمند برنامه‌ریزی‌های طولانی مدت است. قرارگرفتن عامل اجتماعی در جایگاه و رتبه دوم از عوامل مهاجرت نشان دهنده‌ی این است که افغان‌ها به دنبال فرصت‌های اجتماعی بهتر در کشورهای دیگر هستند؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که بهبود شرایط اجتماعی در داخل کشور امر ضروری بوده نیازمند برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت است.

قرار گرفتن عامل آموزشی در جایگاه سوم از عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور نشان‌دهنده‌ی این است که افغان‌ها با مهاجرت شان به دنبال دسترسی به خدمات آموزشی بروز و مدارج علمی بالاتر هستند؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که تقویت زیرساخت‌های تعلیمی و تحصیلی امر حیاتی بوده نیازمند اقدام فوری است. قرار گرفتن عامل فرهنگی در اولویت چهارم از عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور نشان دهنده‌ی این است که افغان‌ها با مهاجرت شان به دنبال ابراز هویت فرهنگی و پیوستن به جوامع بین‌المللی هستند؛ اما آنچه اهمیت دارد رفع تضادهای فرهنگی و در مواردی هم تقویت هویت فرهنگی در داخل کشور مستلزم برنامه‌ریزی و اقدام عندالموقع می‌باشد. قرارگرفتن عامل جغرافیایی در جایگاه پنجم از عوامل مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور گویای این است که افغانستان با واقع شدن در موقعیت و مسیرهای جاده‌ای و دسترسی به فضاهای دیدنی اقدام به مهاجرت می‌نمایند که خود نیازمند اجرای پروژه‌های عمرانی در احداث زیرساخت‌های فضای سبز و کمربند سبز است. و بالاخره قرارگرفتن عامل سیاسی در جایگاه ششم به حیث عاملی از عامل‌های مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور بر عکس سایر عوامل تاثیر کمتری داشته؛ به حیث فرصت و نقطه‌ی قوت ارزشمند نیازمند هدف‌مندی سایر عوامل با بهره‌گیری از این عامل در مهاجرت افغان‌ها می‌باشد. فلذا؛ پالیسی‌سازان و سازمان‌های مسول حوزه‌های کلان کشوری، لازم است تا به ترتیب برنامه‌های پیشرفته‌ی را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی مرعی داشته؛ زمینه فرار سرمایه، مهاجرت اهل تخصص، از دست دادن نیروی فعال کاری و اقتصادی، نخبگان، کارآفرینان را تضعیف نموده با تحلیل مزیت مهاجرت‌ها آنرا هدفمند سازند. در اخیر برای محققان آنی پیشنهاد

می‌شود؛ از آنجاییکه تحقیق حاضر در ساحه جغرافیایی ولایت هرات انجام گردیده است، برای جامعیت بیشتر در سایر حوزه‌ها نیز عنوان تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

1. ارشاد، فرهنگ؛ مینا، صدف (۱۳۸۹). مهاجرت نابرابری و پیامدهای آن. مجله تحلیل اجتماعی، شماره، ۵۹ سال چهارم، تابستان ۱۳۸۹.
2. اویس عبدالوهاب (۱۳۹۷). بررسی عوامل مهاجرت جوانان شهر هرات در دو سال اخیر. فصلنامه علمی- پژوهشی پوهنتون هرات. سال هفدهم، شماره چهارم.
3. جواد حیات الله (۲۰۱۶). دلایل مهاجرت اخیر افغان‌ها به اروپا. پایان نامه دوره لیسانس پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون بلخ.
4. رضایی، مریم؛ صادقی، رسول (۱۳۹۹). تمایل ایرانی‌ها به مهاجرت و عوامل تعیین‌کننده آن. دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر سال ۱۰، شماره ۱۸.
5. زمانی، نثار احمد (۱۳۹۵). بررسی عوامل مهاجرت جوانان افغان به اروپا در دو دهه اخیر. پایان نامه دوره لیسانس پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون هرات.
6. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات: کتاب دوستان.
7. شعبانی، فرزاد؛ پریزاد، رضا؛ امینی، علیرضا (۱۳۹۹). بررسی عوامل پژوهشی در مهاجرت نخبگان در ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹.
8. طاهر خانی، دکتر مهدی (۱۳۸۰). تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت‌های روستا-شهری. فصلنامه بخش علوم جغرافیایی و سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس، شماره مقاله ۵۱۹.
9. طیبی سعید؛ حصوری، رستم (۱۳۹۰). اثر فرار مغزها بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه. مجله پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. سال ۱، شماره ۲.
10. مهریار، داشاب؛ داور پور، سارا (۱۳۹۹). تاملی بر پیمان جهانی مهاجرت. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. دوره ۲۲، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۹.
11. نوشین، روناک (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مهاجرت به شهرها، مطالعه موردی؛ شهرستان بانه، دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
12. auhiainen, S. (2008). 'Regional Concentration of Highly Educated Couples. In: Poot, J., Waldorf, B. & Wissen, L.V. (Eds.)', Migration and Human Capital (1st ed). Edward Elgar, Massachusett.
13. Caselli, F. & Coleman, W. J. (2006). 'The World Technology Frontier', American Economic Review, 96(3), 499-522. Cattaneo, C. (2008). International Migration the Brain Drain and Poverty a Cross Country Analysis, University of Sussex and LIUC.

14. Da Silva Freguglia, R., Gonçalves, E., & da Silva, E. R. (2014). 'Composition and Determinants of the Skilled OutMigration in the Brazilian Formal Labor Market: A Panel Data Analysis From 1995 to 2006', *Economia*, 15(1), 100- 117.

Identify and prioritize the factors of Afghan migration abroad

Case Study: Herat Province.

Author: Assistant candidate Zia-ul-Haq Sadat

Dean of development management department, Faculty of Public Administration and Policy, Herat University.

Abstract

Migration is a phenomenon that has intensified in recent decades and is increasingly booming among the Afghan population. Migration as an important social issue has multiple dimensions that affect different areas equally. A comprehensive analysis of migration-related issues requires an interdisciplinary effort. The aim of the present research was to identify and prioritize the factors of Afghan migration abroad, which was conducted with the statistical community of Herat province residents and Herat University professors using semi-structured interview tools and questionnaires. Statistical Sample of Qualitative Data Initially selected using purposive sampling method and after identifying the factors of Afghan migration, the sample of quantitative data (field) was selected based on Schumacher and Lomax formula of 240 residents of Herat province by simple random sampling method. Qualitative data were analyzed using content analysis and quantitative data based on Friedman's test in SPSS version 26. The results of qualitative data analysis or extraction of 32 concepts of migration factors by content analysis method showed that the factors of Afghan migration include: economic, social, political, cultural, geographical and educational factors, which are in accordance with the components and content of the standard questionnaire. Ronak Migration Factors Noshin (2013) and Yousef Irani (2011) by Friedman test. economic factor in the first place of migration factors, social factor in second place, education factor in third place, cultural factor in fourth place, geographically factor in fifth place and political factor in place The sixth factor of Afghan migration abroad at the 0.000 significance level with a degree of The confidence was 95%.

Keywords: migration, economic, social, cultural, political, geographical and educational.